

موضوع: نقد مسیر پیامبری

### روش عقلی در بررسی حقیقت پیامبری

#### شبّهات و سوالات عامل رشد معرفت

امام راحل در تسخیر لانه جاسوسی و تحریم آمریکا فرمودند: اگر آمریکا یک کار خوب در حق ما انجام داده بود همین بود که ما را تحریم کرد. شبّهات جدید ذهن انسان را به تکاپو می اندازد. وقتی دکتر سروش نظریه نسبی بودن معرفت را مطرح کرد، دیدگاه او با نظریات رایج در حوزه معرفت های دینی ناسازگار بود، و این امر باعث شد بزرگان حوزه مانند آیت الله سبحانی و آیت الله جوادی وارد میدان شود و به نقد آن پردازند که حاصل آن کتاب هایی همچون «شریعت در آیین معرفت» است. وقتی دکتر سروش نظریه وحی و تجربه نبوی را مطرح کرد، آیت الله سبحانی به این مساله پرداختند و مباحث مفیدی شکل گرفت. این در حالی است که اگر این نظریه نبود، آن موشکافی ها نیز به وجود نمی آمد. معروف است که گفته می شود: «الحاجه ام الاختراع»: نیاز مادر اختراع و اکتشاف است. وقتی شرایط سخت پیش می آید، فرد برای اینکه راه خود را باز کند، لازم است از توانمندی های بیشتری استفاده کند و همین امر باعث مباحث جدید و رشد علمی می شود. بنابراین سوال کردن فی حد نفسه خوب است. یکی از امتیازات نظام آموزش حوزه این است که شاگردان در عین نگاه داشتن حرمت استاد، به صورت آزاد در مقابل استاد می ایستند و سوالات خود را به صورت جدی مطرح می کنند و همین امر سبب می شود که معرفت رشد پیدا کند.

#### استناد به قرآن در بررسی حقیقت نبوت

یکی از سوالاتی که در این بحث مطرح می شود این است که آیا می توان در این بحث که آیا پیامبری گزینش الهی است یا بشری به قرآن کریم رجوع کنیم و ببینیم قرآن چه می گوید یا نه؟

نویسنده می گوید: این کار نمی شود و صحیح نیست، زیرا مستلزم دور است: «دیدگاه سنتی برای اثبات این ادعا که وحی پیام خداوند است نمی تواند به گزاره های که وحیانی می داند از جمله قرآن استناد کند. چرا که وحی و قرآن مساله مورد مناقشه ما است».<sup>۱</sup>

در پاسخ دو نکته در جلسه گذشته بیان شد:

۱. اول اینکه بخواهیم از راه معجزه بودن قرآن اثبات کنیم که وحیانی است و سپس اثبات کنیم که این کتاب از سوی خداوند برای هدایت بشر نازل شده است.

<sup>۱</sup> مسیر پیامبری، ص ۱۴۴-۱۴۵

۲. پاسخ دیگر اینکه لازم نیست وحیانی بودن قرآن را اثبات کنیم اما همین که ثابت است که قرآن از سوی پیامبر آمده است (و یا کلام ایشان است یا کلام خداوند) و خود پیامبر می گوید که این سخن از جانب خداوند است که به من وحی شده است، کافی است در اثبات درستی کلام وی، زیرا مسلم است که آنچه خود فرد درباره خویش می گوید با آنچه دیگری درباره او قضاوت می کند، درست تر است. خود فرد دارای علم وجدانی است اما علم دیگری ذهنی و بر اساس شواهد است. به عنوان نمونه اگر شاعری که کلام او را قبول داریم بگوید که این شعر از ناحیه محصول قوه تخیل من است نه اینکه روی آن خردورزی کرده باشم، سخن او پذیرفته است نسبت به کسی که ادعا می کند این شعر او از روی خردورزی بوده است.

پاسخ اول در مورد اعجاز هر چند حرف درستی است اما برای پاسخ به این پرسش نمی تواند مورد استفاده قرار گیرد، زیرا معجزه هر خارق العاده ای را نمی گویند بلکه معجزه خارق العاده ای است برای اثبات ادعای الهی واقع می شود. پیامبر ادعا کرده است که از جانب خداوند هستم و دلیل این اعجاز است. در اینجا سخن وی پذیرفته می شود اما اثبات اعجاز قرآن فرع بر ادعای نبوت است.

### ادعای نویسنده در مورد خطابات قرآن

نویسنده در مورد قرآن کریم و خطابات آن می گوید اینکه در قرآن کریم آمده است که پیامبر (ص) فرموده است این کتاب از جانب من نیست بلکه از جانب خداوند است در واقع خلاف واقع است اما مجوز دارد، زیرا پیامبر در اثر عزلت نشینی و عبادت، قرب الی الله پیدا کرده است و این امر سبب شده حرف خود و خدا را یکی بداند. نویسنده می گوید: «وقتی پیامبری در شهود و تاملات خویش با خدای خود رابطه برقرار می کند می تواند دریافت های خود را به خداوند نسبت دهد (آنقدر صمیمی است که می گوید دیگر جیب من و تو ندارد). و دریافت های از پایین نیز می تواند همان گونه که در آیات قرآن آمده بیان شود. در واقع پیامبر خود چگونگی دریافت پیام های خویش را برای مخاطبانش تعیین می کند. او ممکن است در پیام خود گاه خویش خود را مخاطب خداوند و مامور از سوی او قرار دهد. و گاهی ممکن است خود را در جای شخص ثالث بنشاند».<sup>۲</sup>

ادامه بحث انشاءالله در جلسه آینده بیان می شود.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد